Archive of SID

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
شماره ٤٢ –بهار١٣٩٩/ صص٢٨-٤٣

رقابت‌های اسلام سیاسی و سکولاریسم در دوران جمهوریت ترکیه با تأکید بر دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۶

کامبیز قهرمانی[۱]، ابراهیم متقی[۲]، علیرضا گلشنی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰٤/۰۳

چکیده

گفتمان‌های سیاسی نقش بسزایی در تدوین و شکل‌گیری رقابت‌ها، تعاملات و نزاع‌های سیاسی در کشورهای مختلف بر عهده دارد. این تأثیرگذاری به‌ویژه در کشورهای متکثر و سرشار از گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی بسیار قابل‌توجه است. ترکیه یکی از این کشورهای مهم و تأثیرگذار در منطقهٔ خاورمیانه است که در دوره‌ای طولانی شاهد رقابت‌های گفتمانی متعددی بوده است که همچنان ادامه دارد. در همین باره به نظر می‌رسد بررسی سیر تعامل و تقابل‌های گفتمانی در این کشور در قالب همکاری و منازعه، پژوهشی مفید و ضروری به شمار آید. پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از روش گفتمانی لاکلائو و موف به بررسی نزاع‌ها و همکاری‌های گفتمانی در ترکیه از سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱٦ بپردازد. در کنار این روش از روش کتابخانه‌ای و منابع تاریخی نیز بهره جسته‌ایم. بدین ترتیب می‌توان گفتمان‌های اسلام‌گرا، سکولارها (کمالیست‌ها و لائیک‌ها) و همچنین خرده‌گفتمان‌هایی نظیر کردها را ازجمله مهم‌ترین گفتمان‌های فعال در صحنهٔ سیاسی این کشور به شمار برد. از زمانی‌که گفتمان اسلام‌گرایی در دههٔ نود توانست خود را به‌طورجدی در صحنهٔ سیاسی ترکیه نشان دهد و حتی در دوره‌ای به گفتمان هژمونیک تبدیل شود، این بررسی برای پژوهش حاضر اهمیت یافت. به‌علاوه قدرت‌گرفتن حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزبی اعتدال‌گرا و متمایل به گفتمان اسلام‌گرایان شکل و ماهیت نزاع‌ها و همکاری‌های گفتمانی را در این کشور پیچیده‌تر کرده است.

واژه‌های کلیدی: ترکیه؛ گفتمان؛ اسلام‌گرایی؛ سکولاریسم؛ حزب عدالت و توسعه

[۱] دانشجوی دکتری اندیشهٔ سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، ایران (نویسندهٔ مسئول)
ghahramanikambiz@yahoo.com
[۲] استاد تمام علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران
[۳] دانشیار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ایران.

www.SID.ir

Archive of SID

۱ـ مقدمه

گفتمان‌های سیاسی همواره در حال تغییر هستند. این تغییرات بیش از هرچیز در کشورهایی که وجه سنتی و نوگرایانه در آنان با تضاد و تقابل روبه‌روست، نمود بیشتری می‌یابد. ترکیه یکی از این کشورهاست که از زمان تأسیس جمهوری جدید توسط آتاتورک تا امروز دچار تغییرات گسترده‌ای شده است. کشوری که روزی خود را مدعی سکولاریسم در خاورمیانه می‌دانست، یک حزب اسلام‌گرا امروز آن را اداره می‌کند که داعیهٔ رهبری جهان اسلام را در سر می‌پروراند. در این تحول گفتمانی در فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه، اسلام سیاسی و قرائت خاص آن از متغیرهای اجتماعی، تاریخی، ایدئولوژیکی و هویتی در جمهوری ترکیه، نقشی بسیار مهم را بر عهده دارد. برای شناخت روند این تحولات مرور و شناخت عناصر هویتی ترکیه ـ در دوره‌ای که با کمالیسم آغاز می‌گردد ـ و واکاوی تقابل گفتمان‌های اسلام‌گرایی و سکولار و دلایل، روند و نتایج چیرگی گفتمان اسلام‌گرایی، اهمیت زیادی دارد. در این میان بخش اصلی این تحولات را ـ که از سال ۱۹۹۷ و روی کار آمدن حزب رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان آغاز شده است ـ می‌توان به‌عنوان سازهٔ اصلی این پژوهش در نظر گرفت که درصدد آن است تا با تأکید بر روند و تحولات صورت‌گرفته در دوران جدید اسلام‌گرایی ترکیه ـ به‌ویژه از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه به‌عنوان جانشین حزب رفاه ـ به تحلیل و تبیین فرایند و سرانجام رقابت طولانی میان سکولاریسمی تهاجمی و کم‌مدارا در مقابل اسلام‌گرایی سیاسی و زیرک نسل جدید سیاستمداران اسلام‌گرای ترک بپردازد.

چنین به نظر می‌رسد که ثمرهٔ اصلی گفتمان اسلام‌گرایی، خود را به عصر بیست‌ویکم رسانیده و با یک جریان اسلام‌گرای مدرن به نام حزب عدالت و توسعه (AKP) ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته است. در این گفتمان، هرچند توسط رهبران نوگرا و عمل‌گرا اداره می‌شود، نشانه‌های قوی اسلام‌گرایی نیز دیده می‌شود که برای یک حکومت مدرن سکولار فعالیت می‌کنند. رهبران احزاب عدالت و توسعه دائماً خود را اسلام‌گرا و طرفدار گروه‌های اسلام‌گرای منطقه معرفی می‌کنند؛ اما ازسوی دیگر، بر سکولاریسم، قانون اساسی غیرمذهبی، پیوند اسلام و دموکراسی و... نیز تأکید می‌ورزند. به‌هرحال به نظر می‌رسد وضعیت امروزی ترکیه در تاریخ معاصر این کشور ریشه دارد که حاصل تعامل و تقابل گفتمان‌های سیاسی است. مهم‌ترین گفتمان‌ها که شامل اسلام‌گرایان، سکولاریست‌ها و ناسیونالیست‌ها می‌شود، در دوره‌ای طولانی از نزاع و همکاری به سر برده‌اند و این روند تاکنون نیز ادامه دارد.

نزاع تاریخی گفتمان‌های سیاسی در ترکیه از زمان روی کار آمدن آتاتورک و برانداختن نظام خلافت عثمانی شروع شد. این نزاع و تقابل در دوره‌هایی رنگ‌وبوی همکاری به خود می‌گرفت؛ اما به‌هرحال نشان می‌داد رقابت گفتمانی در ترکیه امری مبتنی بر واقعیات سیاسی این کشور متکثر است. با گذر از دوره‌های تاریخی، اسلام‌گرایی در کنار سایر گفتمان‌های هژمونیک (سکولاریست و کمالیست‌ها) خود را به دههٔ ۹۰ رساند. با پیوندزدن مفاهیم و خرده‌گفتمان‌های فرهنگ اسلام‌گرایی، این گفتمان توانست توسط نجم‌الدین اربکان جایگاهی برای خود بیابد. از این زمان (۱۹۹۶)، قدرت اسلام‌گرایان رو به فزونی نهاده بود و به‌صورت یک گفتمان جدی در صحنهٔ سیاسی ترکیه حاضر شد. با شکل‌گیری کودتا علیه نجم‌الدین اربکان، موضوع تقابل و نزاع گفتمانی در ترکیه نیز شکل جدی‌تری

www.SID.ir

Archive of SID

به خود گرفته بود؛ با سقوط دولت اربکان، سکولارها توانستند گفتمان خود را به‌صورت هژمونی مطرح سازند؛ اما این سیطره دیری نپایید و اسلام‌گرایان نوگرا به رهبری تکنوکرات‌های عمل‌گرا نظیر عبدالله گل و رجب طیب اردوغان توانستند سازشی میان اسلام‌گرایان و سکولارها ایجاد کنند و در طی انتخابات سراسری ترکیه (۲۰۰۲) قدرت را به دست گیرند. از این دوره می‌توان به‌عنوان نقطهٔ عطفی در تاریخ سیاسی این کشور یاد کرد. به این دلیل که با شروع این دوره و گرایش حزب عدالت و توسعه به‌سمت اسلام‌گرایان، دوره‌ای از نزاع و همکاری میان گفتمان‌های مختلف در این کشور شکل گرفت که تا امروز نیز ادامه دارد. پژوهش حاضر درصدد است تا با رویکرد گفتمانی به چالش‌ها و تعامل‌های گفتمانی ترکیه بپردازد.

۲ـ چارچوب نظری

۲ـ۱ گفتمان

گفتمان، نقطهٔ مرکزی دیدگاه موفه و لکلائو است. این مفهوم در کنار سایر مفاهیم نظیر مفصل‌بندی، زنجیرهٔ هم ارزی، غیریت، تخاصم و هژمونی به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی می‌نگرد و بر این باور است که شکل‌گیری و اضمحلال پدیده‌ها تنها در یک چارچوب گفتمانی قابل تصور است و نمی‌توان پدیده‌ای را مشاهده کرد که بدون ساخت‌بندی گفتمانی شکل یافته باشد. پس می‌توان گفت یکی از مفروضات این نظریه آن است که جهان، پراکنده و پیچیده است و تنها از گذر مقوله‌بندی‌های گفتمانی ما درک می‌شود (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۵)؛ بنابراین مفاهیمی مانند «هژمونی»، «مفصل‌بندی»، «تصمیم‌ناپذیری» به این دلیل مطرح می‌شوند که با نبودِ قطعیت سروکار دارند و نمایندهٔ هیچ اندیشهٔ حقیقی نیستند (لکلائو و موفه، ۱۳۹۲: ۱٤۷). گفتمان امری است که همواره در یک زمین رُسی پای گذاشته و دائماً در حال دگردیسی است. گفتمان‌ها همواره در حال تغییر و تبدیل هستند و حتی با تغییر در رویه‌های معنایی و هویت‌بخش، گفتمان‌های جدیدی را پدید می‌آورند. به‌هرحال، تنها در چارچوب گفتمانی است که می‌توان معنای پدیده‌ها را درک و ارزیابی کرد (همان: ۲۰۸). سیاست هنگامی معنا می‌یابد که گفتمان‌ها به‌مثابهٔ خاک رُس همواره در معرض فروپاشی و تغییر همیشگی قرار گیرند (موف، ۲۰۰۷: ٤). از منظر رویکرد گفتمان، پدیده‌های سیاسی و اجتماعی خارج از گفتمان معنایی ندارند. لکلائو و موف در تشریح گفتمان چنین می‌آورند که تحلیل ما تمایز میان رویه‌های گفتمانی و غیرگفتمانی را کنار می‌نهد و بر این نکته صحه می‌گذارد که اولاً هر ابژه‌ای به‌منزلهٔ ابژه‌ای از یک گفتمان شکل می‌یابد؛ تاآنجاکه هیچ ابژه‌ای خارج از شرایط گفتمانی ظهور معین نمی‌شود؛ دوم، هر تمایزی میان آنچه عموماً جنبه‌های زبانی و رفتاری کردار اجتماعی خوانده می‌شود، یا تمایز نادرستی است یا باید جایگاهش را به‌منزلهٔ نوعی تمایزگذاری در چارچوب تولیدات اجتماعی معنا بازیابد که در قالب کلیت‌های گفتمانی ساختار می‌یابد (لکلائو و موفه، ۱۳۹۲: ۱۷٤-۱۷۵). به‌علاوه، این نظریه نمی‌پذیرد که «این قلمرو مستقل پدیده‌ها تعیین‌کنندهٔ معنای آن‌هاست». براساس نظریهٔ گفتمان، واقعیت‌های فراگفتمانی، قلمرو مستقلی از پدیده‌ها را شکل می‌دهد که در وجودشان تردیدی نیست؛ اما این پدیده‌های فراگفتمانی به‌خودی‌خود معنادار نیستند؛ بلکه معنایشان تنها با گفتمانی ممکن می‌شود که از زاویهٔ دید آن‌ها به آن پدیده‌ها می‌نگریم (حقیقت، ۱۳۸۷: ٦۰۷)؛ بنابراین برای تحلیل هر گفتمانی ابتدا باید روابط گفتمان مسلط با سایر گفتمان‌ها (غیریت)، تقابل گفتمان مسلط با خرده‌گفتمان‌ها (ضدیت)، عناصر هر گفتمان (بهره‌گیری از دال‌های شناور)، زنجیرهٔ هم‌ارزی (ارتباط خرده

www.SID.ir

Archive of SID

گفتمان‌ها در گفتمان مسلط)، نشانه‌ها، وقته‌ها و... مورد توجه قرار گیرد. سکولاریسم در ترکیه هنگامی قابل فهم و معنا می‌شود که ارتباط آن با سایر گفتمان‌ها، ادبیات گفتمانی آن، ارتباط آن با سایر عناصر و نشانه‌ها و... مورد توجه قرار گیرد.

باید گفت گفتمان ازجمله مفاهیم کلیدی و پرکاربردی است که در شکل‌دادن به تفکر فلسفی، اجتماعی و سیاسی مغرب زمین در نیمهٔ دوم قرن بیستم نفوذ بسزا و قابل تأملی داشته است که هنوز سایهٔ آن بر سر حیات اجتماعی فلسفی غرب تداوم دارد. به‌طورکلی، نظریهٔ گفتمان به [بررسی] نقش اَعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد. این نظریه روشی را بررسی می‌کند که نظام‌های معنایی (گفتمان‌ها) طرز آگاهی‌یافتن مردم را از نقش‌هایشان در جامعه شکل می‌دهند و به تجزیه و تحلیل شیوهٔ تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۵٦). نظریهٔ گفتمان اساساً در زبان‌شناسی متولد شد و در سال ۱۹۵۲، زگیل هریس، زبان‌شناس ساختارگرای آمریکایی، بررسی واحدهای بزرگ‌تر از جمله را در کانون توجه زبان‌شناسی قرار داد و آن را تحلیل گفتمان نامید. نظریهٔ گفتمان در زبان‌شناسی فردیناند دوسوسور ریشه دارد؛ اما در دیرینه‌شناسی فوکو با معرفت‌شناسی پیوند یافت. لاکلا و موف با بهره‌گیری از مفهوم فوکویی قدرت و زبان‌شناختی سوسور و پساساختارگرایی دریدا و با نقد سنت مارکسیستی، این نظریه را در علوم سیاسی بسط دادند (حقیقت، حسینی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۰٤).

درمجموع می‌توان استدلال کرد که رویکرد گفتمان می‌تواند برای تحلیل سکولاریسم و اسلام‌گرایی در ترکیه استفاده شود. این رویکرد به‌دلیل توجه به فروپاشی ساخت‌های گفتمانی و همچنین تعامل و تقابل گفتمان‌ها (رابطه‌ای‌بودن قدرت) اهمیت ویژه‌ای به روابط قدرت در پدیده‌های سیاسی و اجتماعی می‌دهد و از این جهت می‌تواند نکات ارزنده‌ای به ما نشان دهد. روش گفتمان در بررسی گفتمان‌های سیاسی کاربردهای متعددی داشته است. این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد که روش گفتمان می‌توان برای بررسی نظام‌های گفتمانی قابلیت‌های متناسبی داشته باشد. می‌توان گفت برای بررسی گفتمان‌های سیاسی در ترکیه می‌توان از چنین روشی نیز بهره جست. به‌طور ساده اگر بخواهیم روش گفتمانی و فراتر از آن، فرایند دیالکتیکی ساختار و کارگزار را به بوتهٔ آزمون بگذاریم، جامعهٔ ترکیه نمونهٔ منحصربه‌فردی از یک جامعهٔ سیاسی است که همواره ساختار منازعه‌آمیزی داشته و عاملان (کارگزاران) تاریخ‌سازی نیز به خود دیده است. تلاش ما بر این است تا باتکیه‌بر منطق پارادایمی و دیالکتیک ساختار/ کارگزار تحولات ترکیه معاصر را بررسی کنیم.

۲ـ۲ گفتمان‌های سیاسی ترکیه؛ تعامل و تقابل

ترکیه کشوری چندفرهنگی و دارای مختصات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی چندگانه‌ای است که آن را از سایر کشورهای اسلامی متمایز می‌کند. به‌طور مشخص می‌توان گفت سه قرائت مهم اسلام‌گرایی، ملی‌گراها، نظامیان (دو گروه اخیر گرایش‌های سکولار دارند) در ترکیه حضور دارند. بااین‌حال، گروه‌های دیگری نیز وجود دارند که به دلیل نبودِ دسترسی آنان به قدرت سیاسی و پایگاه اجتماعی ضعیف‌تر کمتر مورد توجه واقع می‌شوند؛ اما این تحلیل نباید ما را از گروه‌های مؤثری مانند کردها، اسلام‌گرایان طرفدار فتح‌الله گولن، شیعیان و... غافل کند. از این جهت می‌توان سه دورهٔ تاریخی مشخص را در ترکیه معین کرد که در هرکدام از این دوره‌ها، گروه‌های خاصی توانستند ایده‌های خود را مطرح کنند و به‌عنوان نمایندگان جریان‌های اسلام‌گرا و سکولاریسم در ترکیه معرفی شوند. ناگفته

www.SID.ir

Archive of SID

نماند که پژوهش حاضر با آگاهی از حاکمیت اسلام‌گرایی تا قبل از روی کار آمدن آتاتورک، رویکرد غالب در این کشور را اسلام‌گرایی تلقی می‌کند که به‌دلیل محدودیت پژوهش از بررسی آن صرف‌نظر می‌کنیم؛ بااین‌حال، مهم‌ترین گفتمان‌های سیاسی ترکیه به ترتیب زیر هستند:

۱) جریان سکولار که شامل نظامیان و ملی‌گراها می‌شود و از زمان به قدرت رسیدن آتاتورک در سال ۱۹۲٤ تا ۲۰۰۲ را در بر می‌گیرد. البته گفتمان حاضر، گفتمان غالب بوده است و در دهۀ ۱۹۷۰ که اسلام‌گراها کم‌کم به صحنۀ سیاسی ـ اجتماعی ترکیه برگشته بودند، توانستند به‌عنوان یک خرده‌گفتمان خود را مطرح کنند. به‌طور مشخص اسلام‌گرایان در سال ۱۹۹٦ توسط اربکان توانستند مدت کوتاهی قدرت را به دست بگیرند.

۲) جریان اسلام‌گرا؛ این جریان که به‌طور مشخص از سال ۲۰۰۲ و با قدرت‌گرفتن حزب عدالت و توسعه آغاز به کار کرد، به‌دنبال تغییر در الگوی ادارۀ جامعۀ ترکیه برآمد که البته در دوره‌هایی نظیر ۱۹۹٦ و نخست‌وزیری اربکان توانسته بودند خود را به‌عنوان یک خرده‌گفتمان مطرح کنند.

چنین به نظر می‌رسد که روند شکل‌گیری قدرت در نزد گفتمان‌های سیاسی ترکیه به‌گونه‌ای است که با قدرت گرفتن یکی از آن‌ها، سایر گروه‌ها به‌طور کامل حذف نمی‌شوند و حتی به‌صورت بالقوه توانایی آن را دارند که با تشکیل عناصر گفتمانی خاص خود، قدرت را به دست گیرند؛ به‌طور مثال دربارۀ گفتمان اول که به سکولارها اختصاص دارد، می‌توان گفت بخش اعظمی از تاریخ ترکیۀ جدید در اختیار آنان بوده است و همواره به‌عنوان «گفتمان مسلط» به یک هژمونی تبدیل شده بودند؛ بنابراین با وجود تلاش‌های طرفداران عثمانی‌گرایی و احیای نظام سیاسی خلافت، ناسیونالیسم ترک به همراه غرب‌گرایی افراطی در قالب رویکرد کمالیسم بر عرصۀ سیاسی ترکیه حاکم شده بود و جمهوری جدید ترکیه را در سال ۱۹۲۳ بنا نهاد. این رویکرد جدید ذیل عامل جامعه محسوب می‌شود. به این نحو که جهت‌گیری ارزشی جامعه به‌سمت ترکیب ناسیونالیسم ترک به‌عنوان محور وحدت‌بخش با غرب‌گرایی ـ به‌عنوان محور توسعه و آینده‌ای که باید به آن رسید ـ شکل می‌گیرد. وجود گروه‌های سیاسی فعال مانند افسران جوان در تسریع سلطۀ عوامل دستۀ جامعه بر عرصۀ سیاسی ترکیه اهمیت فراوان دارد (گوهری مقدم و مددلو، ۱۳۹۵: ۱۲۷). درواقع ترکیۀ جدید حاصل ضعف مفرط امپراطوری عثمانی بود که با ظهور جنبش معروف به ترک‌های جوان و آموزه‌های مصطفی کمال پاشا، معروف به آتاتورک در سال ۱۹۲۳ تشکیل شد (واعظی، ۱۳۸۷: ٦). پس از روی کار آمدن ترکیه جدید، کمالیست‌ها بسیار کوشیدند تا منبع هویتی جدیدی برای پایه‌گذاری ترکیۀ نوین ایجاد کنند و با الهام از آن به‌سمت ترقی پیش روند. آن‌ها به‌شیوه‌ای افراطی به حذف اسلام از جامعۀ ترکیه اقدام کردند (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۷)؛ بنابراین گفتمان سکولاریستی در ترکیه هدف گفتمان کمالیسم جداکردن ترکیۀ جدید از ریشه‌های اسلامی، میراث تاریخی و موقعیت جغرافیایی‌اش بود. طبیعی بود که دوران اقتدارگرایی نظامیان و کمالیست‌های افراطی برای همیشه نمی‌توانست پایدار باشد (واعظی، ۱۳۸۷: ۱۱)؛ به عبارت دیگر کمالیست‌ها تلاش کردند با گذر از هویت اسلامی و اقتباس هویت اروپایی، صاحب تمدن اروپایی شوند؛ اما شکست این فرایند از نیمۀ دوم قرن بیستم با رشد اسلام‌گرایی در ترکیه نمایان شد. رشد اسلام‌گرایی را می‌توان با افول سکولاریسم و پشت‌پا زدن ترک‌ها به تمدن غربی به‌گونۀ اقتباسی محض برابر دانست.

پس از گفتمان سکولاریسم (نظامیان و ملی‌گراها)، اسلام‌گرایان مهم‌ترین گفتمان سیاسی حاضر در ترکیه را تشکیل می‌دهند. اسلام‌گرایی که با حذف خلافت و روی کار آمدن جمهوری آتاتورک برای مدت‌های مدیدی از

www.SID.ir

Archive of SID

صحنهٔ سیاسی ترکیه حذف شده بود، توانست خود را به‌عنوان یک خرده‌گفتمان حفظ کند و با پروراندن مفاهیم اصلی گفتمان اسلام‌گرایی، ایده‌های خود را برای یک جامعهٔ اسلامی در آینده مطرح کند. مهم‌ترین عناصر این گفتمان، ضدیت با سکولاریسم غربی، مبارزه با قدرت‌های مداخله‌جو، تأکید بر اسلام سیاسی، اجرای شریعت اسلامی و احیای سنت‌های اسلامی بوده است. این گفتمان که در دههٔ ۱۹۷۰ و با قدرت‌گرفتن تورگوت اوزال توانست مفاهیمی را حول گفتمان خود جمع کند، در سال ۱۹۹٦ برای اولین‌بار قدرت سیاسی را تصاحب کردند و نشان دادند که اسلام‌گرایان نیز می‌توانند با رعایت قواعد گفتمان رقیب (حفظ دموکراسی، التزام به مبانی لائیسیته آتاتورک) ادارهٔ جامعه را به دست گیرند. این قدرت‌گرفتن تنها یک سال طول کشید؛ اما باعث شد تا گفتمان اسلام‌گرایی خود را به قرن بیست‌ویکم برساند. گفتمانی که بعدها حزب عدالت و توسعه آن را بسط داد و توانست مهم‌ترین نمایندهٔ جریان اسلام‌گرایی ترکیه تلقی شود. از این جهت، گفتمان مورد نظر اسلام‌گرایان ترکیه با ارائهٔ الگویی جدید از رابطهٔ میان سنت و تجدد و جمع میان آن دو و حرکت به‌سمت اسلام‌گرایی می‌کوشند ترکیه‌ای براساس هویت تمدنی خود ایجاد کنند (نوروزی، ۱۳۹۱: ۷۱). از منظری گفتمانی، گفتمان‌های فکری ظهوریافته در ترکیهٔ معاصر را می‌توان در سه طیف اصلی طبقه‌بندی کرد: گفتمان پانترکیسم (غرب‌گرا)، گفتمان نظامیان (غرب‌گرا) و گفتمان اسلام‌گرا،که خود به دو طیف سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود (نوروزی و فیروز، ۱۳۹۲: ٥٦).

۳ـ گفتمان‌های قدرت و علیت‌های ساختی در سیاست داخلی ترکیه

سه گفتمان ناسیونالیسم ترکی، کمالیسم و اسلام‌گرایی به‌عنوان سه گفتمان غالب در تاریخ معاصر ترکیه وجود دارند که در پژوهش حاضر به بحث دربارهٔ اسلام‌گرایی می‌پردازیم.

۳ـ۱ گفتمان اسلام‌گرایی

اسلام‌گرایی گفتمان‌های مهمی است که توانست در کنار گفتمان کمالیستی و با بهره‌گیری از دال‌های شناوری همچون فرهنگ اسلامی، اسلام سیاسی و... ایده‌های موردنظر خود را بر فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه تحمیل کند. از این جهت گفتمان اسلام‌گرایی بیش از آنکه ایده‌های موردنظر خود را به‌صورتی ایجابی بیان کند، گفتمان خود را در ضدیت با گفتمان مسلط (گفتمان کمالیستی) مطرح کرده بود. خرده‌گفتمان اسلام‌گرایی توانست مانع تثبیت کامل گفتمان کمالیسم گردد و در کنار آن توانست فضای گفتمانی موردنظر خود را شکل دهد. پیشینهٔ تاریخی اسلام‌گرایی در دورهٔ خلافت عثمانی باعث شد تا اسلام‌گرایان همواره باتکیه‌بر سوابق امپراتوری عثمانی، از اسلام سیاسی به‌عنوان بدیلی برای سکولاریسم شکل‌گرفته در ترکیه دفاع کنند؛ بنابراین، اسلام‌گرایان با عطف به فرهنگ غالب جامعهٔ ترکیه، همواره به ارزش‌های غربی و ناسیونالیستی به دیدهٔ تردید می‌نگرند و درصدد جاری‌کردن ارزش‌های اسلامی در جامعهٔ ترکیه هستند. مجموعه عوامل تاریخی و فرهنگی و همچنین شکل‌گیری گفتمان ضدیت با سکولاریسم در ترکیه باعث شد تا گفتمان اسلام‌گرایی خود را به‌عنوان بدیلی برای تغییر وضع موجود در ترکیه نشان دهد.

چنین به نظر می‌رسد که بهبود فضای سیاسی در دههٔ ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ زمینه را برای شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی مهیا کرده بود. به همین دلیل، دربارهٔ قدرت‌یابی مسلمانان در دورهٔ اربکان، تحلیل‌گران بر این نکته

www.SID.ir

Archive of SID

اتفاق‌نظر دارند که سیاست‌های آزادسازی اقتصادی اوزال در دهۀ ۱۹۸۰ در تقویت بنیان‌های اقتصادی اسلام‌گراها و ظهور بنگاه‌های اقتصادی وابسته به آن‌ها یا سرمایۀ سبز آناتولی نقش بسیار کلیدی داشته است. افزون‌بر این، سیاست‌های فرهنگی اوزال به‌خصوص دربارۀ کاهش محدودیت مظاهر اسلامی موجب رشد فعالیت اسلامی در جامعه ترکیه شد (واعظی، ۱۳۸۷: ٤٧)؛ اما روی کار بودن دولت اربکان بیش از هرچیز به معنای افزایش قدرت اسلام‌گراها و درنتیجه به حاشیه‌رفتن کمالیست و سکولارهای ترکیه بوده است. اربکان با بهره‌گیری از شعایر اسلامی و قرارگرفتن در مرکز گفتمان اسلام‌گرایی ترکیه به اولین رهبری سیاسی تبدیل شد که پس از هژمونی گفتمان کمالیسم توانست دوباره اسلام را به سطح اول قدرت در ترکیه برساند.

در دوران اربکان، روابط ترکیه با کشورهای اسلامی توسعه یافت و حاصل تلاش‌های دولت او تشکیل اجلاس سران هشت کشور اسلامی تحت عنوان «دی هشت» بود. در ادامه نیز دولت اردوغان با بهره‌گیری از تجربۀ دولت اربکان کوشید، سیاست نگاه به شرق را در سیاست نگاه به غرب سنتی ترکیه ادغام کند و از مزایای هر دو آن‌ها بهره گیرد. خط‌مشی اردوغان و عبدالله گل در عرصۀ سیاست خارجی، به‌ویژه دربارۀ تنش‌زدایی در منطقه، گسترش روابط با کشورهای اسلامی، رویکرد جدید به تحولات خاورمیانه، همکاری با اروپا و فعالیت‌های بین‌المللی، دستاوردهایی به دنبال داشته است. درواقع، دولت اردوغان پس از به قدرت رسیدن کوشید با بهره‌گیری از رویکرد کلان سیاست خارجی دولت اربکان و باتوجه‌به تحولات استراتژیک منطقه، یک سیاست خارجی چندوجهی اتخاذ کند؛ بنابراین روابط ترکیه با کشورهای همسایه و قدرت‌های آسیایی به‌ویژه روسیه، ایران، چین و هند و سوریه گسترش یافت (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۸-۵۹). دولت اربکان هویت خود را در فرهنگ اسلامی جست‌وجو می‌کرد؛ اما به دلیل سیاست‌های اسلام‌گرایانه‌اش مورد انتقاد ناسیونالیست‌ها و سکولارهای ترکیه قرار گرفت. اربکان که نخست‌وزیر ترکیه شده بود، در سال ۱۹۹۷م. زیر فشار ژنرال‌های ارتش مجبور به استعفا شد. به دنبال این حادثه، حزب رفاه منحل و اربکان برای پنج سال از فعالیت سیاسی محروم شد (دهقانی، ۱۳۹۱: ٢٦٤). استدلال مخالفان اربکان این بود که وی ارزش‌های کمالیستی را نادیده می‌گیرد و درصدد تشکیل یک حکومت اسلامی در ترکیه است. این مسئله هرچند در دورۀ اربکان به وقوع نپیوسته بود، باعث شد تا اسلام‌گرایان با جسارت بیشتری خود را به فضای سیاسی ترکیه وارد کنند.

نسل جدید اسلام‌گرایان ترکیه در چنین شرایطی ظهور کردند. در این میان، تنش‌هایی نیز میان مدافعان قرائت نو و سنتی از اسلام درگرفته بود؛ اما این نواندیشان دینی و سیاسی در ترکیه بودند که توانستند با هژمونیک‌کردن ایده‌های خود، راه را برای شکل‌گیری تاریخ نوینی در ترکیه آغاز کنند. رهبران نوگرای ترکیه شامل عبدالله گل، احمد داوود اغلو و در رأس آنان رجب طیب اردوغان رهبر بلندپرواز ترکیه بوده‌اند. به نظر می‌رسد که پس از کودتای ۱۹۹۷ گروه‌های اسلام‌گرا به تغییر راهکار خود پرداختند و کوشیدند تا با گفتمانی جدید به مقابله با قدرت کمالیست‌ها بپردازند؛ درحالی‌که احزاب فضیلت و سعادت، همچنان خود را تداوم‌بخش جنبش نگرش ملی معرفی می‌کردند و به‌رغم تغییردادن بخشی از راهکارهای خود، همچنان به‌دنبال هژمونیک‌کردن اسلام به‌عنوان دال مرکزی این گروه بودند؛ ولی حزب عدالت و توسعه، چرخشی گفتمانی را در اندیشه‌های خویش به وجود آوردند (امام جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۸).

www.SID.ir

Archive of SID

دولت حزب عدالت و توسعه در حال حاضر محور اصلی گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه به شمار می‌رود. دال مرکزی این گفتمان رجب طیب اردوغان است که با گذر از یک رهبری ساده، نقش یک رهبری فرهمند را بازی می‌کند که تصور حزب عدالت و توسعه و ترکیه نوین بدون نام وی دشوار است. شاکلهٔ گفتمان اسلام‌گرایی تلفیقی از اسلام سیاسی و دموکراسی و همچنین آرمان‌های جمهوری آتاتورک است. بااین‌حال، دولت اردوغان تلاش کرد با در پیش‌گرفتن مشی اعتدال، با نظامیان و کمالیست‌ها و مخالفین خود درگیر نشود؛ اما با اتمام دورهٔ ریاست جمهوری احمد نجدت سزر و مطرح‌شدن نامزدی عبدالله گل ازسوی حزب عدالت و توسعه برای کسب مقام ریاست جمهوری، احزاب لائیک و نظامیان به مخالفت با این امر برخاستند (واعظی، ۱۳۸۷: ٤٩). با بسط‌یافتن گفتمان اسلام‌گرایی حزب عدالت و توسعه، قدرت این حزب و در رأس آن رجب طیب اردوغان رو به فزونی نهاده است و از سال ۲۰۰۷ نیز قدرت خود را بر بخش‌های مختلف جامعه ترکیه تحمیل کردند. تغییرات قانون اساسی در دورهٔ جدید حزب عدالت و توسعه و شکل‌گیری یک کودتای مشمئزکننده در سال ۲۰۱۵ گویای به چالش کشیده شدن گفتمان اسلام‌گرایی در ترکیه است؛ اما اینکه جایگزینی برای اسلام‌گرایی ترکیه پیدا خواهد شد و یا جریان حزب عدالت و توسعه در برابر تحولات داخلی و خارجی به دشواری روبه‌رو می‌شود، به تحولات داخلی و خارجی متعددی بستگی دارد که همواره جامعهٔ ترکیه با آن‌ها روبه‌رو بوده است. به نظر می‌رسد چالش گفتمان حزب عدالت و توسعه تنها به خرده‌گفتمان‌های نظامی و سکولار حاضر در ترکیه محدود نمی‌شود؛ بلکه نوعی از اسلام اجتماعی در ترکیه به‌وسیله اسلام‌گرایانی نظیر فتح‌الله گولن درحال شکل‌گرفتن است که می‌تواند دست حزب عدالت و توسعه را از نمایندگی جریان اسلام‌گرایی کوتاه کند. بر این مسائل باید چالش‌های منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه را نیز بیفزاییم.

۴ـ مفاهیم الگو و گفتمان‌های سیاسی ترکیه

۴ـ۱ انباشت

انباشت به معنی آن است که در ساخت سیاسی ترکیه، هرکدام از گروه‌هایی سیاسی و اجتماعی حاضر در آن دارای پایگاه اجتماعی خاص خود هستند و با توسل به این گروه‌ها به افزایش قدرت خود می‌اندیشند؛ بنابراین هنگامی که هژمون در جامعهٔ ترکیه کوشیده است تا خود را به‌عنوان قدرت برتر معرفی کند، با توسل به هویت نزدیکی که با گروه‌های هم‌پیمان خود ایجاد می‌کند، درصدد قدرت‌بخشیدن به خود و درنهایت اجرایی‌کردن ایدئولوژی موردنظر خود است؛ چنانکه در زمان هژمونی کمالیسم، بیشترین حامیان وی، گروه‌های حامی سکولاریسم غربی بودند. درواقع کمالیسم به اصطلاحی اشاره دارد که طی آن، مصطفی کمال پاشا، اصلاحات اجتماعی و فرهنگی زیادی بنیان نهاد و یک جامعه و دولت سکولار را پایه‌گذاری کرد (هاکان یاووز، ۲۰۰۳: ۳۱)؛ بااین‌حال، از زمان مداخلهٔ ارتش در سیاست ترکیه در سال ۱۹۸۰، تدریجاً شکل و ماهیت و پایگاه قدرت جنبش اسلامی و مهم‌تر از آن سیاست دولت نسبت‌به آن تغییرات اساسی یافت. نیروهای سیاسی چپ و راست نسبت‌به افزایش نمودهای اسلامی به‌عنوان یک جنبش سیاسی مذهبی رادیکال که مدعی یک آلترناتیو سیاسی برای کمالیزم، سوسیالیسم و سرمایه‌داری است، هوشیار شده‌اند. آن‌ها همچنین شاهد بودند که در سطح فکری، جنبش اسلام‌گرایی سیاسی خود را به‌عنوان نتیجهٔ

www.SID.ir

Archive of SID

سنت تاریخی اسلام در تقابل با نظم سیاسی موجود تعریف می‌کند. درواقع یک ویژگی اولیهٔ اسلام سیاسی رادیکال در ترکیه، چشم‌انداز بالقوهٔ انتقادی‌تر آن نسبت‌به دیگر روایت‌ها از اسلام در ترکیه است؛ روایت‌هایی همچون طریقت‌های صوفیانه، احزاب اسلام‌گرا، اسلام سنتی و طرفدار دولت که می‌خواهند جامعه را برحسب اصول شریعت دچار تغییرات رادیکال کنند (طاهایی، ۱۳۸۰: ۱٤٥-۱٤٦).

۴ـ۲ گفتمان کمالیسم و دال‌های شناور

بنابراین میزان مخالفت و یا موافقت هرکدام از سه گروه یادشده دربارهٔ ترکیه (البته گروه‌های دیگری نیز وجود دارد) می‌تواند در میزان انباشت و مشروعیت نظام سیاسی آن دوره اثرگذار باشد. همچنین همخوانی یا ناهمخوانی هیئت حاکمه و برقراری رابطهٔ هویتی با هرکدام از آنان بر میزان مقبولیت و مشروعیت آن حاکمان اثرگذار است. کارگزاران تاریخ معاصر ترکیه شخصیت‌های مهمی را شامل می‌شود؛ از آتاتورک به‌عنوان پایه‌گذار جمهوری ترکیه گرفته تا عدنان مندرس توسعه‌گرا، اربکان اسلام‌گرا و رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور فعلی.

در ادامهٔ این بحث به تشریح ساخت‌های سیاسی جامعهٔ ترکیه می‌پردازیم.

۴ـ۳ هژمونی کارگزاران

هژمونی یا قدرت برتر، به نیروهای مسلط در جامعه می‌گویند که قدرت غالب را در اختیار دارند. از این جهت، در نظام سیاسی ترکیه، گروه یا جریانی که باتکیه‌بر پایگاه اجتماعی خود به تشکیل دولت اقدام می‌کند و دیگران تحت سیطرهٔ او هستند، به‌عنوان «هژمونِ» برتر شناخته می‌شوند. بدین‌ترتیب، الگوی قدیمی به‌وجودآمده در دههٔ ۱۹۲۰ توسط مصطفی کمال آتاتورک، مبتنی بر نتیجهٔ فرانسوی سکولاریسم بود. این الگوی فرانسوی از دل انقلاب فرانسه بیرون آمد که مذهب را حقیر می‌شمرد و آن را نشانه‌ای از خرافه‌گرایی و عقب‌ماندگی به شمار می‌آورد که می بایست با نگرش نوین عقلی کنار زده می‌شد (متقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۵). بدین‌ترتیب روشن می‌شود که هژمونی دولت مطلقهٔ مدرن در زمان آتاتورک، پایگاه اجتماعی خود را در میان طبقات روشنفکر، غرب‌گرا و آشنا با تکنولوژی و مفاهیم توسعه‌ای غرب تشکیل دادند و البته اهمیت چندانی به گروه‌های مذهبی داده نمی‌شد؛ بنابراین آتاتورک توانست یک حکومت ناسیونالیستی سکولار را در زمان جنگ جهانی آغاز کند (کاگاپتی، ۲۰۰٦: ۳). در این پارادایم مدرن از سیاست و هژمونی، اسلام و مسلمانان به‌عنوان پاردایم‌های حاشیه‌ای دیده می‌شوند. ارتش ترکیه مشخصاً حامی پرشور و غیور نگرش و ایدئولوژی آتاتورکی بود و رهبری مبارزه علیه هرگونه قدرت مذهبی سازمان‌یافته یا مداخلهٔ علنی افراد مذهبی را بر عهده داشته است (متقی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۵).

با پایان دورهٔ آتاتورک به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری ترکیه تا امروز، دولت‌ها و رهبران بسیاری در این کشور حکومت کردند که هرکدام نیز توانستند باتکیه‌بر منطق درونی گروهای هویتی نزدیک به هژمونی خود به فرایند انباشت قدرت نیز بپردازند که در اینجا مجال پرداختن به همهٔ آنان نیست؛ اما مشخصاً دربارهٔ قدرت‌گرفتن اسلام‌گرایی به‌عنوان یکی از اضلاع سه‌گانهٔ قدرت در ترکیه با نگاهی به کارنامهٔ احزاب اسلام‌گرا، حزب رفاه را می‌توان از موفق‌ترین احزاب این کشور به شمار آورد؛ زیرا این حزب برای اولین‌بار در تاریخ ترکیه به‌عنوان یک حزب اسلام‌خواه توانست به قدرت دست یابد و عملاً گام‌های بلندی را در مسیر احیای شعایر دینی و حقوق مردم مسلمان بردارد؛ به‌طوری‌که به‌جرأت می‌توان دههٔ ۱۹۹۰ میلادی را دههٔ حزب رفاه و اربکان در ترکیه نامید. این حزب در انتخاب‌های مختلف و با ائتلاف‌های گوناگون که با احزاب دیگر انجام داد، توانست تاحد زیادی کارآیی

www.SID.ir

Archive of SID

خود را به مردم ترکیه اثبات کند؛ اما این روند ادامه نیافت و در سال ۱۹۹۷ میلادی، نظامیان ترکیه کودتای بدون درگیری را علیه این حزب به راه انداختند و دولتی را که اربکان متصدی آن بود و اکثر افراد آن از حزب اسلام‌گرای رفاه بودند، سرنگون کردند (مفیدنژاد، ۱۳۸۸: ۳۸). با این اوصاف، سه جریان اصلی سیاست ترکیه (ناسیونالیست‌ها، مسلمانان، سکولارها) هرکدام به‌صورت جسته‌وگریخته جای یکدیگر را در قدرت می‌گرفتند. چنانکه بعد از کودتا، اربکان به همراه تعدادی از اعضای حزب رفاه، به تشکیل حزب جدیدی به نام «فضیلت» اقدام کردند که باتوجه‌به روند فزایندهٔ قدرت‌گرفتن سکولارها و نظامیان در ساخت سیاسی ترکیه، روند اضمحلال این حزب نیز آغاز شد؛ بنابراین نقش اسلام‌گراها به تضعیف گرایید. با بروز انشقاق میان رهبران نوگرا و سنتی حزب فضیلت، محافظه‌کاران به تأسیس حزب «سعادت» اقدام نمودند و نوگراها (رفرمیست‌های حزب) با رهبری عبدالله گل و رجب طیب اردوغان، فعالیت‌های تازه‌ای را آغاز کردند. رجب طیب اردوغان که خود از اعضای شناخته‌شدهٔ حزب رفاه بود، با اعلام تشکیل حزب «عدالت و توسعه» مسیر جدیدی برای سیاست ترکیه در پیش گرفت که تاکنون نیز ادامه دارد. درواقع تشکیل حزب عدالت و توسعه، سازشی میان جنبه‌های سکولاریستی جمهوری کمالیزم، ناسیونالیسم ترکی و اسلام نوگراست که می‌خواهد میان دین و دموکراسی پیوند ایجاد کند.

سیر تحولات تاریخی جامعهٔ ترکیه نشان می‌دهد در چند دههٔ پُرفرازونشیب، از بطن کشمکش میان اسلام‌گرایان، ملی‌گراها و سکولارها، جریانی فکری و سیاسی به نام حزب عدالت و توسعه مبتنی بر پیشینهٔ عوامل ذهنی، تجربه‌های تاریخی و فرهنگی خاص این کشور در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ م. قدرت را به دست گرفته است. به قدرت رسیدن این جریان میانه‌رو، درحقیقت حاصل شکل‌گیری نوعی هنجار داخلی یا ملی در جامعهٔ ترکیه مبتنی بر ارزش‌های مشترک در مورد تعریف رفتار نامناسب در سطح جامعه است (دهقانی، ۱۳۹۱: ۲٦٦)؛ بنابراین حزب عدالت و توسعه در ترکیه با فرارفتن از نوعی چندگانه‌انگاری در هویت داخلی این کشور، سعی می‌کند تنش‌های بالقوه در هویت ساختاری جامعه ترکیه را مدیریت کند و هژمونی پارادایم خود را بر سایر پارادایم‌ها بقبولاند. حزب عدالت و توسعه و قدرت‌یابی آن ناشی از هویت چندتکه ساختار داخلی ترکیهٔ معاصر است که همچنان درگیر تنش سنت و مدرنیته است.

۵ـ روش پژوهش

در این پژوهش تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع مهم و مستدل در زمینهٔ ارتباط گفتمان‌های مختلف در ترکیه، سازوکارهای قدرت و گفتمان‌های حاضر در این کشور بررسی شود. به همین منظور نویسنده با رجوع به منابع کتابخانه‌ای نظیر کتابخانه وزارت امور خارجه، منابع آرشیوی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و همچنین بهره‌گیری از آثار منتشرشده در این زمینه به بررسی این موضوع پرداخت. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تاریخی و تواتر در کنار روش گفتمانی استفاده شد.

۶ـ پاسخ به سؤالات و فرضیات

www.SID.ir

Archive of SID

در پاسخ به سؤال اصلی تحقیق که رقابت اسلام سیاسی و سکولاریسم در دوران جمهوریت ترکیه به‌ویژه در سال‌های بین ۱۹۹۰ تا ۲۰۱٦ چگونه و در قالب چه دوره‌هایی بوده است، باید گفت رقابت میان گفتمان‌های اسلام‌گرا و سکولاریسم در قالب دوره‌های منازعه، همکاری و تعامل قابل بررسی است. این سه نگرش شکل‌گرفته که از زمان تأسیس جمهوری جدید ترکیه توسط آتاتورک نیز کم‌وبیش وجود داشته‌اند، شرایط سیاسی و اجتماعی ترکیه را در وضعیت «استثنائی دائمی» قرار داده‌اند. به همین دلیل اسلام‌گرایان که تا قبل از روی کار آمدن اربکان در سال ۱۹۹٦ هرگز قدرت سیاسی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورده بودند، در تلاش بودند تا با بهره‌گیری از دال‌های شناور، عناصر گفتمانی و تکیه‌بر منطق درونی اسلام معتدل و میانه‌رو نقش جدیدی به اسلام سیاسی موجود در ترکیه ببخشند و خود را در وضعیت جهانی جدید بازتولید کنند. این کشمکش به‌طور خاص از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱٦ دارای نکات قابل تأملی است؛ اسلام‌گرایان که به‌تازگی خود را در شرایط مطلوب‌تری نسبت‌به قبل می‌دیدند، درصدد بودند با رعایت قواعد بازی سیاسی (ابزار انتخابات و صندوق رأی)، گفتمان خود را به‌صورت هژمونیک درآورند. جرح و تعدیل دیدگاه‌های آنان و پذیرش منطق چندفرهنگی‌گرایی ترکیه باعث شد تا آنان خیلی زود، خود را با شرایط داخلی ترکیه وفق دهند و در قالب «همکاری» در کنار گفتمان مسلط (سکولاریسم) به تنومندکردن عناصر گفتمانی خود همت گمارند. نشانه‌های این تحول گفتمانی در پیداشدن چهره‌های تکنوکرات، عمل‌گرا، نواندیش و پایبند به ارزش‌های سازنده و دوگانهٔ اسلامی ـ غربی بود که خیلی زود توانست گفتمان اسلام سیاسی ترکیه را سروسامان بخشد؛ بنابراین می‌توان سال‌های ۱۹۹۰ تا به قدرت رسیدن اربکان را دورهٔ «همکاری» نامید. البته پس از قدرتمندشدن اسلام‌گرایان و گرایش اربکان به‌سمت اسلام‌گرایان منطقه نظیر ایران، این همکاری چندان تداوم نیافت و جای خود را به «منازعه» داد؛ منازعه‌ای که در یک طرف آن گفتمان اسلام‌گرایان و در طرف دیگر آن گفتمان «سکولارها» قرار داشت. روند منازعه به‌ویژه با کودتا علیه نجم‌الدین اربکان شدت بیشتری به خود گرفته بود.

بااین‌حال باید گفت اسلام‌گرایان ترکیه در قالب الگوی «همکاری» توانستند اربکان را به مقام نخست‌وزیری برسانند؛ اما این همکاری خیلی دوام نیاورد. روی‌آوردن اربکان به اسلام رادیکال و فاصله‌گرفتن از گفتمان ریشه‌دار کمالیسم، برقراری روابط حسنه با کشورهای اسلامی و جایگزینی سیاست «نگاه به شرق» به‌جای سیاست نسبتاً ثابت «نگاه به غرب» باعث شد تا گفتمان‌های مخالف خیلی زود از خطر اسلامی‌شدن حکومت در ترکیه سخن بگویند و با شعار دفاع از میراث آتاتورک، «منازعه» را بر «همکاری» ترجیح دهند. با کودتای نظامیان، اربکان از کار برکنار شد؛ ولی اسلام سیاسی در ترکیه از بین نرفت و سیاستمداران نوگرای اسلامی در این کشور کوشیدند با پوشش ضعف‌های اربکان مسیر معتدلی برای اسلام سیاسی تعریف کنند که بتواند با پذیرش منطق گروه‌های مخالف، نقش نوینی برای اسلام‌گرایی تعریف کند. این نقش جدید با قدرت‌گرفتن حزب عدالت و توسعه و سر برآوردن نخبگان عمل‌گرایی همچون عبدالله گل، رجب طیب اردوغان و داوود اغلو شکل تازه‌ای به خود گرفته بود. انتخابات سال ۲۰۰۲ و اعتماد دوبارهٔ مردم ترکیه به اسلام‌گرایان، قدرت مضاعفی به اسلام‌گرایان بخشیده بود که تا پیش از این سابقه نداشت. رهبران نوگرای مسلمان با پروراندن عناصر گفتمانی جدید به سکولاریسم، دموکراسی، حقوق بشر و چندفرهنگی‌گرایی معنای تازه‌ای به اسلام سیاسی در منطقه نیز بخشیده بودند. این دوران که از سال ۲۰۰۲ شروع شده بود تا سال ۲۰۰۷ به‌صورت «همکاری» با سایر گفتمان‌ها به راه خود ادامه داد.

www.SID.ir

Archive of SID

به نظر می‌رسد موفقیت‌های اقتصادی حزب عدالت و توسعه در داخل باعث شد تا الگوی «همکاری» پس از سال‌های ۲۰۰۷ همچنان الگوی غالب بر صحنهٔ سیاسی ترکیه قلمداد شود. در کنار گفتمان مسلط اسلام‌گرایان، خرده گفتمان‌های سکولاریستی که شامل ناسیونالیست‌ها، لائیک‌ها و حتی ارتش ترکیه می‌شود، قابل مشاهده است. به هر جهت، حزب عدالت و توسعه نمایندهٔ اسلام‌گرایان سیاسی ترکیه به شمار می‌رود. حزب با فاصله‌گرفتن از عناصر سیاسی به یک حزب خدمات اجتماعی تبدیل شده است و توانست در مدت کوتاهی، ثبات سیاسی، رونق اقتصادی و پیشرفت را برای ترکیه به ارمغان بیاورد. بااین‌حال، خرده‌گفتمان‌های حاضر در صحنهٔ اجتماعی و سیاسی ترکیه بر نقاط ضعف اسلام‌گرایان انگشت گذاشته بودند. با تصاحب قدرت در سطوح مختلف حاکمیتی و طرح موضوع پیوستن به اتحادیهٔ اروپا، الگوی مبتنی بر «همکاری» کم‌کم جای خود را به الگوی «منازعه» داده بود. در این دوره که با افزایش اقتدارگرایی اسلام‌گرایان نیز مقارن شده بود، گروه‌های مخالف به خطرات اسلام‌گرایی ترکیه اشاره می‌کردند که ممکن است میراث کمالیستی و دموکراسی نوپدید ترکیه را با خطر روبه‌رو کند. این شکل از منازعه به ویژه از سال ۲۰۱۲ و با خیز برداشتن اردوغان برای تصاحب بیشتر مناصب حکومتی، حمایت از گروه‌های اسلام‌گرا در منطقه و لزوم ایجاد تغییرات در قانون اساسی، فاصله‌گرفتن از دکترین عمق استراتژیک و... شدت بیشتری به خود گرفته است. شواهد نشان می‌دهد که سرکوب مخالفان داخلی و تصویب تغییرات قانون اساسی و افزایش اختیارات رئیس‌جمهوری و کم‌شدن اختیارات نخست‌وزیری (که همگی حاکی از متمرکزشدن قدرت در دست اردوغان دارد) الگوی «منازعه» را جایگزین الگوی «همکاری» کرده است (از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۱۷).

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تحولات گفتمانی ترکیه از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ در قالب الگوی «همکاری»، از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ در قالب الگوی «منازعه»، از ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ در قالب الگوی «همکاری»، از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ در قالب الگوی متعامل «منازعه و همکاری»، از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱٦ در قالب الگوی «همکاری و منازعه» و سرانجام از سال ۲۰۱٦ به بعد در قالب الگوی «منازعه» قابل بررسی است.

۶ـ نتیجه‌گیری

چنانکه بررسی شد گفتمان‌های اسلام‌گرا به رهبری حزب عدالت و توسعه و گفتمان‌های سکولاریسم ـ مشتمل بر ناسونالیست‌ها، سکولارها و لائیک‌ها ـ در مناقشهٔ دائمی بر سر تحولات داخلی و خارجی ترکیه درگیر هستند. در یک‌سو گفتمان مسلط اسلام‌گرایی می‌کوشد با بهره‌گیری از اعتماد عمومی، تلفیق دین و دموکراسی، چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی و ایفای نقش برادر بزرگ‌تر در منطقه، حمایت از قدرت‌گرفتن اسلام‌گرایانی نظیر اخوان المسلمین و... سیطرهٔ خود را بر تحولات داخلی و خارجی حفظ کند؛ اما این مسئله همچنان مورد مناقشه گروه‌های مخالف اسلام‌گرایان در داخل است. این مسئله نشان می‌دهد که موازنهٔ قدرتی که به نفع اسلام‌گرایان تکامل یافته، ممکن است با چالش‌های داخلی متعددی روبه‌رو شود. ازسوی دیگر، اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه در تلاش هستند تا با پیوستن ترکیه به اتحادیهٔ اروپا فشار مضاعفی بر گروه‌های سکولار و به‌ویژه نظامیان مخالف اسلام‌گرایان وارد کنند. این مسئله مهم‌ترین چالش سیاست خارجی و داخلی ترکیه به شمار می‌رود.

www.SID.ir

Archive of SID

به‌طورکلی می‌توان گفت مسئلهٔ سکولاریسم و دین و سیاست هنوز به‌طور کامل در ترکیه حل نشده است و اقدامات AKP را می‌توان یک مقدمه در این مورد دانست. هنوز چالش میان سکولارها و مذهبی‌ها در جامعه یک چالش جدی است و نمی‌توان تأثیر آن را بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ترکیه نادیده گرفت؛ طبیعی است که سکولارها و نظامیان مایل‌اند با ایجاد فضای تنش مصنوعی مانع از افزایش محبوبیت اسلام‌گرایان و حزب AKP شوند و حتی عده‌ای معتقدند کمالیست‌ها برای مقابله با اسلام‌گرایان درصدد احیای مجدد کمالیسم هستند. با اینکه اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه حدود دو دهه حکومت کشور ترکیه را در دست داشته‌اند، سران این حزب همواره نگرانی‌های عمده‌ای نسبت‌به گروهک‌های خفته در مؤسسات نظامی و قضایی ترکیه دارند. به همین دلیل یکی از اهداف عمدهٔ اردوغان از اصلاحات قانون اساسی این کشور در اختیار گرفتن ارتش و کاستن از اختیارات قوهٔ قضائیه این کشور است که این موضوع طبعاً پیامدهای حقوقی را در کشور به دنبال دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نگرانی‌های گسترده نسبت‌به استبداد حاکمیتی و تشکیل دولت شبه‌سلطنتی در این کشور است. همین موضوع به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغاتی جریان مخالف با اصلاحات قانون اساسی ترکیه تبدیل شده است. براساس طرح اصلاح‌شدهٔ قانون اساسی، حاکمیت دستگاه اجرایی کشور از نخست‌وزیر به رئیس‌جمهور منتقل می‌شود. همچنین رئیس‌جمهور کنونی که دوران ریاستش در سال ۲۰۱۹ به پایان می‌رسد، امکان کاندیداتوری برای دو دورهٔ دیگر را نیز پیدا می‌کند. به این ترتیب اردوغان می‌تواند تا سال ۲۰۲۹ خود را در منصب ریاست جمهوری ترکیه حفظ کند. این مسئله می‌تواند به بدترین شکل ممکن باعث تقویت نظام سلطانی در ترکیه شود که درنهایت موازنهٔ قدرت را بر علیه گروه‌های سکولار برهم می‌زند. روشن است که کمالیست‌ها و سکولارها نمی‌توانند نظاره‌گر اقتدارگرایی اردوغان در سیاست داخلی و خارجی باشند.

از طرفی دیگر، حزب عدالت و توسعه وارد مرحله جدیدی از تحولات سیاسی داخلی و خارجی شده است. رهبران اسلام‌گرا بدون توجه به عواقب سیاست‌های تهاجمی در منطقه، در مسائل گوناگون منطقه‌ای دخالت می‌کنند. مهم‌ترین مسئله‌ای که برای کشورهای منطقه نیز نگران‌کننده به شمار می‌آید، تحولات سوریه است. اسلام‌گرایان ترکیه که از ابتدای ناآرامی‌های سوریه تا امروز طیف گوناگونی از سیاست‌های نرمش تا قدرت قهری را به کار بسته‌اند، بیش‌ازپیش درصدد هستند تا زمینه‌ها را برای قدرت‌گرفتن جریان اسلام‌گرای اخوان‌المسلمین در سوریه فراهم کنند. ادامهٔ این سیاست که به افزایش تنش با همسایگان انجامیده است، دکترین داوود اغلو مبتنی بر «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» را با چالشی عمده روبه‌رو کرده است. ازطرفی دیگر، فشار دولت اسلام‌گرای ترکیه بر گروه‌های مسلح پ. ک. ک. و مسلح‌کردن اسلام‌گرایان افراطی ازسوی دولت ترکیه برای مقابله با آنان، وضعیت داخلی و خارجی ترکیه را با چالش‌های عمده‌ای روبه‌رو کرده است. اردوغان با پیگیری حملات نظامی در مرزهای عراق و سوریه و شروع عملیات عفرین علیه کردهای مسلح بیش‌ازپیش سیاست مداراجویانه با مخالفان داخلی و خارجی خود را کنار گذاشته و به‌طور نسبی وارد مناقشات منطقه‌ای شده است.

در مناسبات میان دو گفتمان هویتی کمالیسم و اسلام‌گرایی در ترکیه، عناصر هویتی آن‌ها به‌عنوان اجزای اصلی تعیین‌کننده در مقاومت آن‌ها محسوب می‌شوند. در گفتمان کمالیسم عناصری نظیر غرب‌گرایی، سکولاریسم و ناسیونالیسم و در گفتمان اسلام‌گرایی، عناصری مانند محافظه‌کاری، آزادی‌های فردی و دموکراسی به‌عنوان عناصر هویت‌ساز و در زنجیرهٔ هم‌ارزی در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند و به واسازی یا همپوشانی هم می‌پردازند. این

www.SID.ir

Archive of SID

عناصر هم تعیین‌کنندهٔ چگونگی رابطه گفتمان‌های کمالیستی و اسلام‌گرایی در ترکیه بوده است و هم تحول در نوع رابطهٔ این گفتمان‌ها را نیز نشان می‌دهد.

چنین به نظر می‌رسد که شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی در دههٔ ۱۹۹۰ و به‌تبع آن روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به یکباره پدید نیامده است. این گفتمان هنگامی توانست پایگاه اجتماعی قوی در بین مردم ترکیه پدید آورد که اغلب گفتمان‌های سکولار که از زمان روی کار آمدن آتاتورک بر سیاست ترکیه تسلط داشته‌اند، از ارائهٔ برنامه‌ای منسجم، همسو با فرهنگ مذهبی ترکیه و پیشرفت‌های اقتصادی ناتوان بوده‌اند؛ بنابراین از مهم‌ترین دلایل گرایش مردم ترکیه به اسلام‌گرایان، یکی فضای باز شکل‌گرفته در دوران تورگوت اوزال بوده است. چنانکه بیان شد به‌دلیل این سیاست‌های باز و راه‌اندازی یک نوع بورژوازی اسلامی و اقتصاد پویا، اسلام‌گرایان نیز فرصت را مغتنم شمردند و به طرح ایده‌های موردنظر خود همت گماشتند. وجود رسانه‌های آزاد و بهره‌گیری از عناصر در دسترس توسط اسلام‌گرایان باعث شد تا آنان دوباره پایگاه اجتماعی مطلوبی به دست بیاورند. اسلام‌گرایانی که توانسته بودند خود را در وضعیت جدید بازیابی کنند، در عرصهٔ عمل نیز نشان دادند توانایی ادارهٔ امور سیاسی و اجتماعی را در یک جامعهٔ سکولار و چندفرهنگی یاد گرفته‌اند. با فرارسیدن دههٔ ۱۹۹۰ و تلاش اسلام‌گرایان برای کسب قدرت سیاسی این اوج‌گیری به نقطهٔ نهایی خود رسیده بود. نخست‌وزیری نجم‌الدین اربکان ماحصل تلاش‌های گفتمان اسلام‌گرایی برای دستیابی به قدرت بوده است که علاوه‌بر کسب منصب نخست‌وزیری، نسل جدیدی از نخبگان سیاسی نوگرا را در ترکیه مطرح کرد که بعدها توانستند نقشی اساسی در سیاست‌های اسلام‌گرایی ترکیه و منطقه بر عهده بگیرند. رجب طیب اردوغان یکی از همین نخبگان نوگرا بود که با بهره‌گیری از قدرت‌گرفتن اسلام‌گرایان توانسته بود در شهرداری استانبول جایگاه مطلوبی به دست بیاورد و سکوی پرتابی برای آیندهٔ سیاسی خود فراهم کند. نخست‌وزیری اربکان تنها یک سال دوام آورد و با کودتای نظامیان سرنگون شد؛ اما نتیجهٔ آن برای اسلام‌گرایان بسیار مثبت و مفید بود. اسلام‌گرایان به‌خوبی نشان دادند که با رعایت قواعد دموکراتیک و سازگارکردن ایده‌های خود با اندیشه‌های نو می‌توانند گفتمان خود را هژمونیک کنند.

منابع

۱. اطهری، اسدالله (بی‌تا)، «ارتش و اسلام‌گرایان ترکیه؛ دو نیروی اجتماعی در یک نظام»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شمارهٔ ۲۶.

۲. امام‌جمعه‌زاده و دیگران (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۳، زمستان ۹۲.

۳. بصیری، محمدعلی و موسوی، فاضل (۱۳۸۹)، «نقش و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شمارهٔ پنجم، بهار ۸۹.

٤. حقیقت، صادق و حسینی‌زاده، محمد (۱۳۹۲). «گفتمان»، رهیافت و روش در علوم سیاسی، به‌اهتمام عباس منوچهری، تهران: سمت.

www.SID.ir

Archive of SID

۵. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

٦. دهقانی، رضا (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی ترکیه در فرایند عثمانی‌گری و نوخلافت اسلامی»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۲.

۷. طاهایی، جواد (۱۳۸۰)، «اسلام‌گرایی و دولت مدرن در ترکیه»، فصلنامه راهبرد، شمارهٔ نوزده، بهار ۱۳۸۰.

۸. گوهری مقدم و مددلو (۱۳۹۵)، «ریشه‌های عثمانی‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه (۲۰۱۵-۲۰۰۲)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شمارهٔ ۱۷، تابستان ۹۵ (شمارهٔ پیاپی ٤٧).

۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲)، فراسوی چپ و راست، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۱۰. لکلائو، ارنستو و موفه، شانتال (۱۳۹۲). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی؛ به سوی سیاست دموکراتیک - رادیکال، ترجمهٔ محمد رضایی، تهران: ثالث.

۱۱. متقی، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۵)، «معمای امنیت و راهبرد منطقه‌ای ترکیه پس از کودتای جولای ۲۰۱٦»، شمارهٔ دهم، اسفند ۹۵، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

۱۲. مفیدنژاد، مرتضی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر اسلام سیاسی در ترکیه»، زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹، سال هفتم، شمارهٔ ۲٦ و ۲۷.

۱۳. موف، شانتال (۱۳۸۸)، در حمایت از مدل مجادله‌ای دموکراسی در نظریهٔ سیاسی در گذار، ترجمهٔ حسن آب‌نیکی، تهران: کویر.

۱٤. نوروزی، رسول و عبدخدایی، مجتبی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی و هویت‌یابی تمدنی در ترکیه»، فصلنامه علمی ـ پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شمارهٔ ۳۰، پاییز ۹۱.

۱۵. واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان‌ها»، فصلنامه راهبرد، شمارهٔ چهل‌وهفتم، تابستان ۸۷.

۱٦. هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمهٔ سید علی‌اصغر سلطانی، نشریه علوم سیاسی، سال اول، شمارهٔ دوم، پاییز ۷۷.

Cagaptay, S. (2006). *Islam, secularism and nationalism in modern Turkey: who is a Turk?*. Routledge.

Yavuz, M. H. (2003). *Islamic political identity in Turkey*. Oxford University Press on Demand.

www.SID.ir

Archive of SID

Competition of political Islam and secularism during the Turkish republic with emphasis on the era of justice and development party (adalat ve kalklmna partisi (akp)) during 1990-2016

Kambiz Ghahremani, Ebrahim Motaghi, Alireza Golshani

Received:2020.4.8
Accepted:2020.6.23

Abstract
Political discourses have an important role in forming the political. Competitions, instractions and conflicts in different countries. This effect, specially in multinational and full of political and cultural discourses countries is very considerable. Turkey is one of the important and effective countries in the middle east which is faced by different discourse competitions. In this regard, it seems that studying the trend of discourse interactions in this country in form of cooperation and conflict is an effective and essential research. The current work aims to study discourse conflict and cooperation in turkey during 1990-2016 using mouffe and lacal's discourse method .We also used library method and historical references. Therefore, Islamist discourse, Seculars (kemalists and laics) and also, some microdiscourses such as kurds can be considered as the most important active discourses in political area in this country. This study is important for the current research when Islamic discourse in 1990s is strongly offered in turkey's political area and in some periods.it become a hegemonic discourse. Additionly, taking power of justice and development party as a maderate party and tendency to Islamic discourses has complicated the nature of discourse conflict and cooperation in this country.

Keywords: turkey; discourse; Islamism; secularism; justice and development party.

www.SID.ir